

براداران قاسمی | شهریور ۱۴۰۴ | "اتاق بازی"

این مجموعه پژوهشی تصویری بر همزیستی دو جهان به ظاهر متضاد است: طبیعت و عالم دیجیتال، آنچه بیرون پنجره می‌گذرد و آنچه روی صفحه می‌درخشد. اینجا، مرزها محو می‌شوند: داخل و خارج، هنر و بازی، واقعیت و خیال. تن‌هایمان را به چهار دیواری استودیو سپردیم ولی روحمان در جنگل پشت پنجره و در دنیای پیکسلی صفحه‌ی تلویزیون سرگردان است؛ این آثار، نقشه‌ی این سرگردانی‌اند. آثار حاضر نه گزارش که تأملی بر تجربه طبیعت در عصر حاکمیت پیکسل‌هاست، حاصل تلاش ما برای یافتن دکمه «سیو» در طبیعت، تلاشی برای ثبت آنچه ممکن است روزی ناپدید شود، تا اگر جهان واقعی «کِرش» کرد، بتوانیم از آخرین «سیو پوینت» ادامه دهیم. در این میانه، بازی، این آیین مدرن فراموشی، به مراقبه‌ای تبدیل می‌شود که در آن «استارت» می‌کنیم تا از حال بگریزیم، «سیو» می‌کنیم تا ترس از فراموشی را فراموش کنیم، و پس از پایان «رنی استارت» را فشار می‌دهیم تا مرگ را به بازی بگیریم. و در پس این همه، «خیرگی» نهفته است، خیرگی به نوری که از هیچ می‌آید، نور صفحه نمایش که وانمود می‌کند زنده است؛ خیرگی به طبیعتی که در زمان منجمد شده، گویی در انتظار فشردن دکمه «ادامه» است؛ خیرگی به دنیای بازی که خود را جای واقعیت می‌زند و ما را به تسلیم وامی‌دارد. شاید هنر، همان دکمه «پاز» باشد که به ما فرصت می‌دهد تا در میانه این سقوط آزاد، اندکی تأمل کنیم و چشمانمان را به آسمان بدوزیم، آسمانی که چه واقعی باشد چه ساخته دست الگوریتم‌ها، همچنان امیدی است که می‌درخشد. این آثار، پاسخی‌اند به جهانی سخت، جهانی که در آن طبیعت به «لوول سخت» رفته، و بازی، آخرین مقاومت در برابر از دست دادن معناست. این نمایشگاه دعوتی است به ادامه بازی، حتی وقتی صفحه تاریک می‌شود، حتی وقتی «گیم اوور» روی صفحه ظاهر می‌شود. شاید هنر همان دکمه «ادامه» باشد که همیشه می‌توان آن را فشرد.